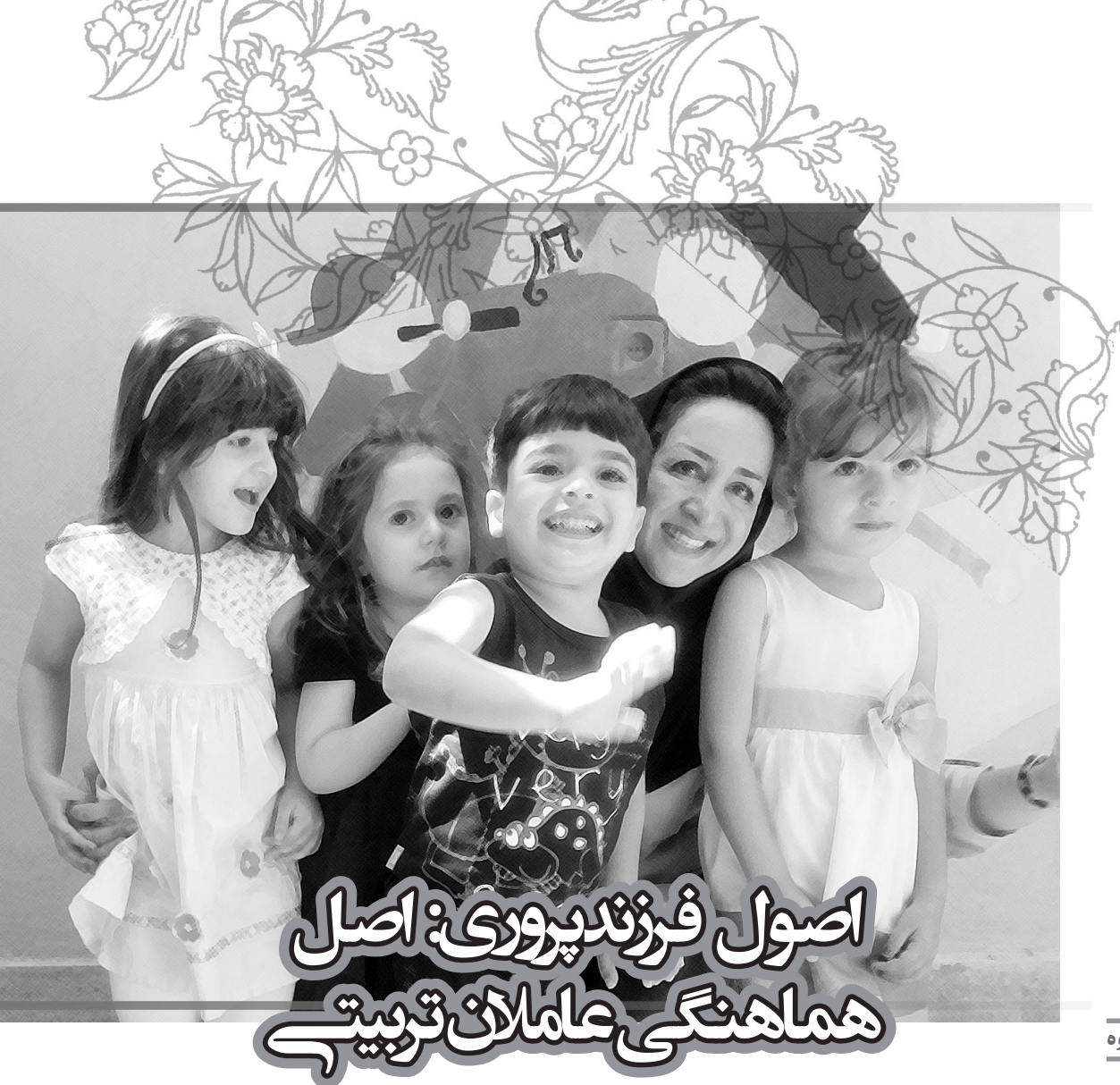




دکتر احمد به‌پژوه

استاد روان‌شناسی
دانشگاه تهران

قصه هدهد و سلیمان چه زیبا گفته است که:

همزبانی، خویشی و پیوندی است

مرد با نامحرمان چون بندی است

ای بسا، هندو و ترک همزبان

ای بسا، دو ترک چون بیگانگان

پس زبان محرمی خود دیگرست

همدلی از همزبانی بهترست

اگر میان پدر و مادر در امر تربیت کودک وحدت

نظر و هماهنگی وجود داشته باشد:

■ کودک از ثبات عاطفی لازم برخوردار می‌شود.

■ کودک احساس امنیت روانی و امنیت خاطر

می‌کند.

■ کودک از شخصیتی سالم و متعادل بهره‌مند

می‌شود.

زمانی که از عاملان تربیتی سخن به میان

می‌آید، منظور عاملان تربیتی داخل خانه و

در نظام تعلیم و تربیت یک جامعه به طور اعم و در نظام تعلیم و تربیت یک خانواده به طور اخص، میان کلیه عاملان تربیتی و تعلیمی باید همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی وجود داشته باشد. در غیر این صورت آن نظام از کارایی لازم برخوردار نیست و میان متعلمان و مربیان تعارض، چنگدگانی، اضطراب و کشاکش حاصل می‌شود و سرانجام به سلامت روانی کودکان آسیب‌های شدید وارد می‌شود. در نتیجه، برای تربیت کودکان سالم و با نشاط ضرورت دارد میان همه عاملان تربیتی و همه کسانی که با کودک سروکار دارند، وحدت رویه و هماهنگی وجود داشته باشد.

مهم‌ترین عاملان تربیتی در درون خانواده، مادر و پدرند. راز و رمز موفقیت عاملان تربیتی در چهار رکن اساسی همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی نهفته است و مولوی در دفتر اول مثنوی معنوی در

فروردین و

اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴

شماره ۴۲۶-۴۲۷

پیوند

۱۸

خانواده (مانند: پدر، مادر، خواهر، برادر، مادر بزرگ و پدر بزرگ)، عاملان تربیتی خارج خانه، یعنی مدرسه (مانند: مدیر، ناظم، معلمان، راننده سرویس و سرایدار)، کتاب‌های درسی، دوستان و همسالان، کوچه و خیابان، مسجد و جامعه و رسانه‌ها (رادیو و تلویزیون) و نظایر آن است.

پیامدهای نبود هماهنگی میان عاملان تربیتی

در مقابل، چنانچه میان عاملان تربیتی هماهنگی لازم وجود نداشته باشد، پیامدهایی جبران‌ناپذیر به وجود می‌آید. برای مثال، در خانه‌ای که مشخص نیست چه کسی باید گل‌ها را آب دهد؛ گل‌های آن خانه خشک می‌شوند یا ریشه‌های آنها بر اثر زیاد آب دادن می‌پوسد!

مثال دیگر، اگر میان دو آشپز (پدر و مادر) هماهنگی نباشد، آش شور می‌شود یا بی‌نمک! در هر حال بر اثر نبود هماهنگی میان عاملان تربیتی، پیامدهایی نامطلوب به شرح زیر حاصل خواهد شد: ■ کودک به ناپایداری و دوگانگی شخصیت مبتلا می‌شود.

■ در درون کودک تضاد و کشاکش روانی ایجاد می‌شود.

■ کودک دچار اضطراب و ناامنی روانی می‌شود.

■ کودک لجباز و بهانه‌گیر می‌شود.

■ کودک در آینده نمی‌تواند به خوبی تصمیم بگیرد.

■ کودک دچار عدم اعتماد به نفس می‌شود.

■ کودک دچار تزلزل ارزش‌ها و آسیب‌پذیری فرهنگی می‌شود.

■ کودک از نبود هماهنگی میان عاملان تربیتی سوء استفاده می‌کند.

■ موجب ناسازگاری میان خواهران و برادران می‌شود.

■ موجب ریاکاری، تظاهر و نفاق می‌شود.

■ موجب بی‌اعتمادی کودک به والدین می‌شود.

■ موجب سرکشی و نافرمانی کودک می‌شود.

نکته‌ای که ضرورت دارد به آن اشاره شود این

است که پدر و مادر باید به یکدیگر احترام بگذارند و گناه است اگر پدری، مادر را نزد کودک تحقیر و سرزنش کند. همچنین گناه است اگر مادری، بخواهد نزد کودک به پدر بی‌احترامی کند. به همین ترتیب پدرها و مادرها باید به معلمان و مربیان احترام بگذارند و متقابلاً معلمان و مربیان باید با پدرها و مادرها با احترام رفتار کنند. بدیهی است در صورت عدم هماهنگی میان عاملان تربیتی، فضای خانه و مدرسه به فضای کشاکش‌های روانی و عاطفی تبدیل می‌شود که بیشترین آسیب را به رشد متعادل کودک وارد می‌کند.

برای مثال، دختر یا پسری می‌خواهد برای شرکت در جشن تولد به خانه دوستش برود. پدر می‌گوید: «ترو». مادر می‌گوید: «نه باید برود، اشکال ندارد!» دختر در آستانه در قرار می‌گیرد و یک پا جلو و یک پا عقب، نمی‌داند برود یا نرود! در این موقعیت پدر و مادر با هم دعوا می‌کنند. پدر می‌گوید: «نه خانم نباید برود!» مادر می‌گوید: «نه آقا اشکالی ندارد، بگذار برود!» حالا دختر هم بابت تکلیف ایستاده است و ادامه ماجرا. حاصل این وضعیت می‌شود عدم وحدت میان عاملان تربیتی (پدر و مادر) که بر چگونگی روابط آنها با فرزندشان آسیب وارد می‌کند. در این شرایط و فضا است که کودک می‌آید پیش مادر، از پدر شکایت می‌کند و می‌رود پیش پدر، از مادر بد می‌گوید. کودک در این وضعیت ریاکار و منافق می‌شود و در نهایت به چندگانگی شخصیت مبتلا می‌گردد.

در این ارتباط، فرزندانمان، ما پدر و مادرها را مورد خطاب قرار می‌دهند و به ما می‌گویند (به‌پژوه، ۱۳۹۳):

ای پدر، ای مادر

بینتان همدلی ار باشد و مهر،

من چو گل در برتان شادابم،

مگذارید که الفت ز میان برخیزد،

من پریشان شوم و آشفته،

نقض پیمان مکنید،

که خدا بین شما عهد مودت بسته است.

■ ■ ■ ■ ■
برای تربیت
کودکان سالم
و با نشاط
ضرورت دارد
میان همه
عاملان تربیتی
و همه کسانی
که با کودک
سروکار
دارند،
وحدت رویه
و هماهنگی
وجود داشته
باشد.



یادتان باشد که فرزندآوری اختیاری، اما فرزندپروری الزامی است.

پدر و مادر باید پیشتر دربارهٔ امور گوناگون با یکدیگر صحبت کنند و سعی کنند اختلاف نظرهایشان را مطرح کنند و به تفاهم برسند (برای مثال، استفاده از چادر یا مانتو، جمع و جور کردن وسایل شخصی، اسباب بازی و لوازم تحریر، رفتن یا نرفتن به جشن تولد، زمان شام خوردن و خوابیدن و نظایر آن).

بنابراین:

همدلی، همفکری، همکاری و هماهنگی عاملان تربیتی در درون خانه و خانواده، به ویژه پدر و مادر، اساس رشد سالم و متعادل فرزندان را تشکیل می‌دهد.

منابع

- به‌پژوه احمد (۱۳۹۳). ازدواج موفق و خانوادهٔ سالم، چگونه؟ (چاپ سوم). تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

- به‌پژوه، احمد (۱۳۹۲). اصول برقراری رابطهٔ انسانی با کودک و نوجوان (با تجدید نظر و اضافات) (چاپ نهم). تهران: نشر دانژه.

- مولوی، جلال الدین محمد (۱۳۶۵). مثنوی معنوی. به سعی و اهتمام و تصحیح نیکلسون. تهران: انتشارات امیر کبیر.

یکی دیگر از موانع هماهنگی، دخالت برادر یا خواهر بزرگتر، پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها است و گاهی اوقات برخی از کودکان دارای دو پدر یا دو مادرند؛ لذا ضرورت دارد پدر و مادر قبلاً با آنها صحبت کنند و هماهنگی لازم را به عمل آورند.

توصیه‌ها

پدر و مادر باید پیشتر دربارهٔ امور گوناگون مطالعه کنند و با یکدیگر مشورت نمایند. البته گفتنی است که طبق تجربیات بالینی و تحقیقات انجام شده، بزرگ‌ترین مانع هماهنگی پدر و مادر، ازدواج نامناسب و نادرست زن و شوهر و عدم رعایت تناسب‌ها در همسرگزینی است که تا پایان عمر بر روابط زن و شوهر یا پدر و مادر با یکدیگر آثار سوء بر جا می‌گذارد. از این رو، بهترین نقطهٔ شروع آموزش خانواده، آموزش همسرگزینی است.

پدر و مادر باید پیشتر دربارهٔ امور گوناگون تربیتی و سبک تربیتی کودک مطالعه کنند، با یکدیگر همفکری کنند، اختلاف نظرهایشان را مرتفع نمایند و به تفاهم برسند و آنگاه تصمیم بگیرند.

توصیه می‌شود پدر و مادر، نسبت به تعلیم و تربیت فرزند یا فرزندان‌شان احساس مسئولیت کنند، با یکدیگر مشورت کنند، برای تعلیم و تربیت آنان وقت بگذارند، تماشای تلویزیون را مدیریت کنند، در خانه فضای گفت و گو و صمیمیت ایجاد کنند و از خودخواهی و سلطه‌گری اجتناب نمایند. در هر حال

توصیه
می‌شود پدر
و مادر، نسبت
به تعلیم و
تربیت فرزند
یا فرزندان‌شان
احساس
مسئولیت
کنند، با
یکدیگر
مشورت کنند،
برای تعلیم و
تربیت آنان
وقت بگذارند،
تماشای
تلویزیون
را مدیریت
کنند، در
خانه فضای
گفت و گو
و صمیمیت
ایجاد کنند و
از خودخواهی
و سلطه‌گری
اجتناب
نمایند

فروردین و
اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۴
شماره ۴۲۶-۴۲۷

پیوند ۲۰